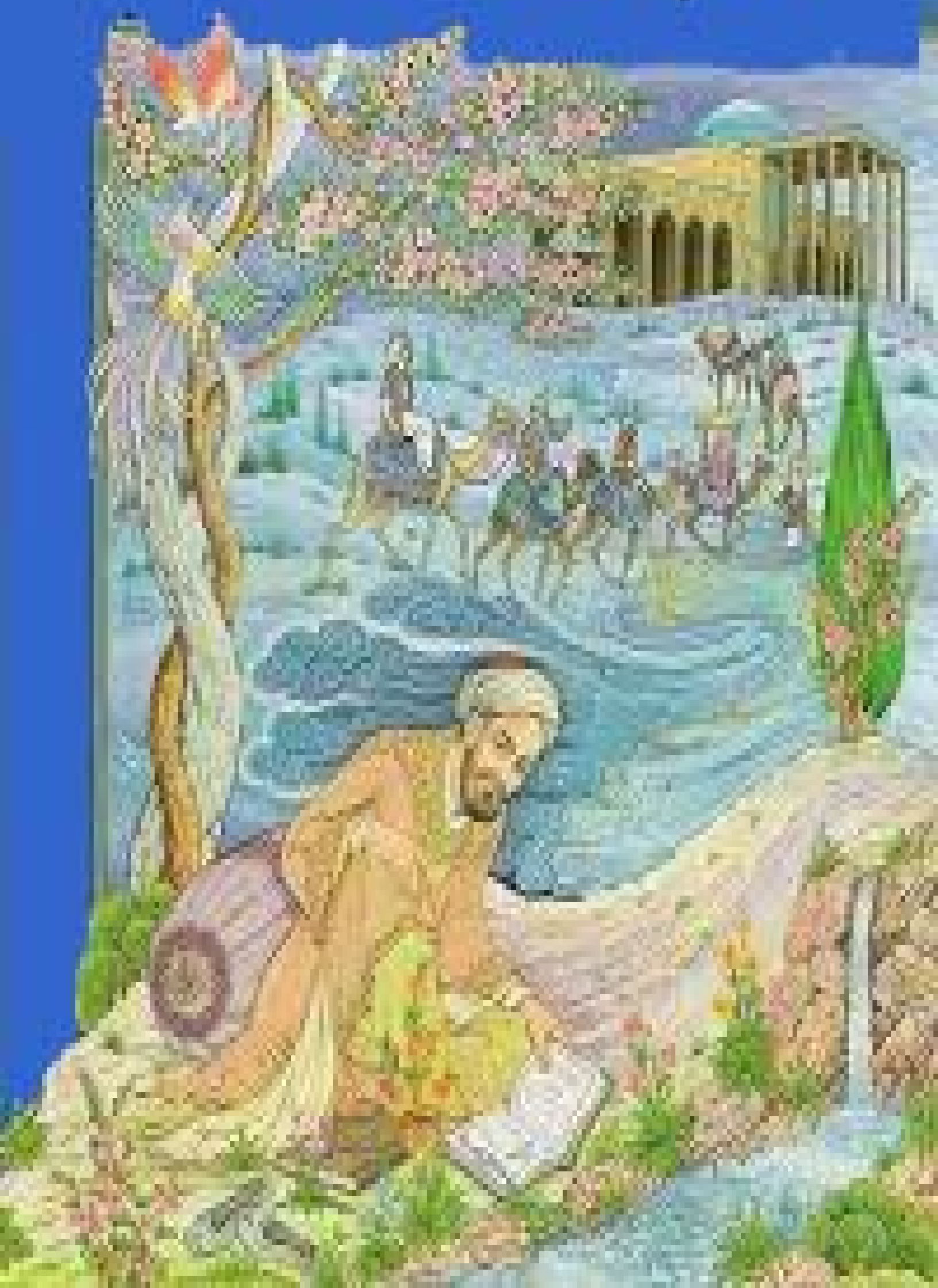


# درباره سعدی



## تاریخ درست در گذشت سعدی

بقلم : آقای سعید نفیسی  
استاد دانشکده ادبیات

در ادبیات فارسی گاهی بدشواریهایی برمی خوریم که سالها نگشاده باقی می ماند .  
گویی از دیرباز پدران ما در بند رقم و تاریخ و این گونه چیزهایی که اینک ما همه  
بان خو گرفته ایم و پنداری بی آن زندگی نمی توانیم کرد نبوده اند .

گاهی ناگزیریم درباره واقعه مهمی چند تاریخ مختلف را بیاوریم و درمی مانیم  
کدام یک از آنها را بپذیریم . گاهی هم شده است که در میان دوسر این تاریخها سه چهار  
پشت و یک قرن فاصله است . درین موارد تنها گاهی تصادفی بگشادن این مشکل  
جانفرسای باری می کند .

یکی ازین دشواریها که سالیان دراز همه گرفتاران بوده اند تاریخ درست روز  
وماه و سال در گذشت بزرگترین پهلوان نظم و نثر فارسی سعدیست . آیا سایه سرشکستگی  
نیست که ایرانیان نتوانسته باشند درین زمینه رأی قاطع بدهند ؟

من خود بارها درین باره اندیشیده ام و اینک مشکلات را باخوانندگان در میان  
می گذارم .

چندتن از کسانی که ذکر می ازو کرده اند باوی معاصر بوده اند و شگفتا که هیچ  
یک ازیشان تاریخ در گذشت این مردی را که قطعاً یکی از ناماورترین مردان آن روزگار  
بوده است درست معلوم نکرده اند .

نخستین کس که ذکر می از سعدی در آثارش مانده ، کمال الدین ابوالفضل  
عبدالرزاق بن احمد بن محمد بن احمد بن عمر بن ابوالمعالی محمد بن محمود بن احمد بن  
محمد بن ابوالمعالی فضل بن عباس بن عبدالله بن معن زائده مروزی بغدادی اخباری  
کاتب مورخ حنبلی ابن الصابونی معروف بابن الفوطی مورخ معروف متولد در ۱۷  
محرم ۶۴۲ و متوفی در محرم ۷۲۳ است که در کتاب تلخیص مجمع الآداب فی معجم  
الانقباء ذکر می از سعدی کرده است . این کتاب را در مجلدات بسیار بجدول نوشته

والقاب را بترتیب حروف هجا آورده و در ستون دیگر مختصری در احوال هر کس آورده است. اینک تنها دو مجلد ازین کتاب در دست است که هر دو بخط مؤلف کتاب است. یک مجلد شامل حرف عین تا قاف که در کتابخانه ظاهریه در دمشق است و تدریجاً در ضمیمه مجله اورینتال کالج سیگازین در لاهور چاپ می کنند و تا کنون ۹۸ صفحه از آن چاپ شده است. مجلد دیگر که آن نیز بخط مؤلف است و از حرف کاف تا پایان حرف میم را دارد در دو مجلد در لاهور در سالهای ۱۳۵۸-۱۹۳۹ و ۱۳۵۹-۱۹۴۰ چاپ شده است. درین مجلد دوم درباره سعدی چنین آمده است: «مصلح الدین ابو محمد عبدالله ابن مشرف بن مصلح بن مشرف معروف بسعدی شیرازی شاعر عارف معروف بسعدی بواسطه نسبت وی با تائبک سعد بن ابی بکر و وی از صوفیان و عارفانست و خدای گفتار نیکو که معانی تازه و الفاظ فصیح در آن هست بزبان دری بهره او کرده است و در سال شست باو نوشتیم و چیزی از اشعاری را که به عربی گفته است خواستیم و این ابیات را برای من نوشت: . . .»

سپس سه بیت از سخنان تازی سعدی را آورده است. ازین جا پیداست که سعدی در سال ۹۶۰ در شیراز بوده که کمال الدین عبدالرزاق از بغداد بوی نامه نوشته است و نیز می رساند که درین زمان سعدی منتهای شهرت را داشته و آوازه او با بن الفوطی مورخ آن زمان رسیده بوده است.

در ضمن این کتاب که در زندگی سعدی نوشته شده بهتر سند برای لقب و کنیه و نام سعدی و نام سه پشت او هست و همه گفتارهای مخالف را درین زمینه از میان می برد.

ابن الفوطی در کتاب دیگر خود، الحوادث الجامعة والتجارب النافعة فی المائة السابعة، تاریخ رحلت سعدی را ضبط کرده است. در نسخه چاپی که بدست ماست این واقعه در حوادث سال ۶۹۴ چاپ شده است ولی شنیده ام نسخه خطی که از روی آن در بغداد چاپ کرده اند دست خورده و اوراق آن پس و پیش شده است و گویا ناشران کتاب متوجه این نکته نبوده اند و هم چنان از روی آن چاپ کرده اند و شاید این واقعه مربوط بسال دیگری مثلاً ۶۹۰ یا ۶۹۱ بوده باشد و نه ۶۹۴.

دیگر از کسانی که زمان سعدی را درك کرده‌اند حمدالله مستوفی قزوینی مورخ معروفست و در تاریخ گزیده که در سال ۷۳۰ به پایان رسانیده است می گوید: «در سابع عشر ذی حجه سنه تسعین و ستمائنه در گذشت» (۱۷ ذی الحجه ۶۹۰).  
 علی بن احمد بن ابی بکر بیستون که در ۷۲۶ سالها پس از مرگ سعدی آثار وی را بصورت کلیات امروز گرد آورده است در پی نام وی «قدس سره» نوشته است.  
 در کتاب معروف مونس الاحرار فی دقائق الاشعار که محمد بن بدر جاجرمی در رمضان ۷۴۱ آماده کرده است نخستین بار قطعه معروفی که در تاریخ در گذشت سعدی دیگران هم تکرار کرده‌اند آمده است. درباره این کتاب باید متوجه بود که نخست مؤلف دیگری این کتاب را گرد آورده که در دیباچه منشور آن نام خود و محل و تاریخ تدوین آن را چنین آورده است: «واضعه عبادالله الوهاب احمد بن محمد بن احمد بن محمد المعروف بکلامی اصفهانی بمحله در دشت روز پنجشنبه اول ربیع الآخر سنه اثنی و سبعمائنه». در جاهای مختلف این کتاب نیز اشعاری از خود آورده که در آنها کلامی تخلص کرده و همه آنها در مدح پادشاهان مغول و ایلخانان ایران و بزرگان دربار ایشانست و مسلمست که وی در اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم می زیسته است.  
 تا کنون دو نسخه از این کتاب دیده‌ام: یکی در کتابخانه «حبیب گنج» در آبادی کوچکی نزدیک علیگره در هندوستان که نسخه تازه‌ایست بخط و کاغذ قرن گذشته و برخی از جاهای آن پریشانست و دیگر نسخه‌ای معتبر تر و منفتح تر بخط و کاغذ قرن دهم که در کتابخانه سالار جنگ در حیدرآباد دکن در هندوستانست.

در هر دو نسخه نام کتاب صریحاً «مونس الاحرار فی دقائق الاشعار» آمده و مسلم می‌شود که محمد بن بدر جاجرمی این کتاب را بخود بسته و اشعار کلامی را از آن بیرون کشیده و یک قصیده از خود در آن آورده و حتی نام آنرا تغییر نداده است و ۳۹ سال پس از آن نسخه‌ای بنام خود ترتیب داده است.

درین کتاب این قطعه در تاریخ مرگ سعدی چنین آمده است: «لغیره» در تاریخ وفات بلبل هزارستان شیخ سعدی شیرازی فرماید:

شب شنبه ز خا و صاد الف دال  
 بیفشاند از غبار تن پروبال

همای روی پاک شیخ سعدی  
 مه ذوالحجه از مه کاف و زاروز

چنان می‌نماید که این قطعه سالها پس از مرگ سعدی سروده شده باشد زیرا که در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم بنوع معمول نشده بود. حروف هجاء را بحساب جمل و حساب ابجد درین گونه موارد بکار برند. در حساب جمل خا ۶۰۰ و ص ۹۰ و الف یک و دال چهارست و کاف ۲۰ و ز ۷ پس بدین گونه سعدی در شب شنبه ۲۷ ذی الحجه ۶۹۵ در گذشته است. پس ازین خواهد آمد که این قطعه را بدین صورت درست نخوانده و در مصراع دوم بیت اول تعریف کرده‌اند.

معین الدین ابوالقاسم جنید شیرازی در کتاب معروف «شدالازار فی حطالاوزار عن زوارالمزار» که درباره مقابر و مزارات شیراز در حدود ۷۹۱ تألیف کرده و گویا تاریخها را از روی سنگهای قبرها که در زمان وی در شیراز بوده نقل کرده است، در گذشت سعدی را در ۶۹۱ آورده است. پس ازین خواهد آمد که این تاریخ درست تر از همه است. شگفتست که پسر وی عیسی بن جنید که این کتاب را بفارسی بنام هزار مزار<sup>۲</sup> ترجمه کرده درباره سعدی نوشته است:

«در سال ششصد و چیزی وفات کرد».

در تاریخ کبیر جعفری که پیش از ۸۴۵ تألیف شده است درباره سعدی چنین آمده: «ذکر شیخ سعدی شیرازی - او را نام مصلح بود، لقب او مشرف الدین، مداح اتابیک سعد و فرزندان او بود. تهمتی دشمنان بروی نهادند و بسفر غرب افتاد، در برو بجزر کستان و هندوستان و مصر و شام و روم مسافرت کرد و چندین کتاب در نظم ساخته، مثل بوستان و گلستان، بنظم و نثر و قصاید عربی و فارسی و شش رساله و طبیات و بدایع و خواتیم و غزلیات قدیم و صاحبیه و هزلیات و رباعیات و مفردات. مدفن او در شیرازست و مشهورست و گفته اند سه روز قطب بود و زمان وفات او روز عید انجی بود سال تسعین و ستمائة» . (دهم رمضان سال ۶۹۰).

ابوبکر قطبی اهری در تاریخ شیخ اویس که در حدود ۸۶۰ تألیف کرده<sup>۳</sup>

۱- چاپ طهران ۱۳۲۸ ص ۴۶۲

۲- چاپ شیراز ۱۳۲۰ ص ۱۵۸

۳- تاریخ شیخ اویس تألیف ابوبکر القطبی الدهری بامقدمه و حواشی بانگلیسی بسی

و اهتمام بن فن لون لامه ۱۳۲۲ هـ.

درباره مرگ سعدی ( در ص ۱۴۱ از متن فارسی ) چنین نوشته است : « شیخ سعدی ناسع و عشرین ذی الحججه سنه ۶۹۰ از دنیای نقل کرد و یکی از شعرا در حق او گفته است ، شعر :

همای روح پاک شیخ سعدی      مه ذی الحججه از خ ص آن سال  
شب سه شنبه از مه کز روز      بیفشاند از غبار تن پر و بال

چنانکه پیش ازین گذشت در نسخه مونس الاحرار این قطعه بگونه دیگر آمده است و در آن روایت در مصراع دوم بیت اول بجای « مه ذی الحججه » ، « شب شنبه » و بجای « خ ص آن سال » ، « خا و صاد الف دال » و در مصراع اول بیت دوم بجای « شب شنبه » در آنجا « مه ذی الحججه » نوشته شده است . چون خا و صاد ۶۹۰ می شود بنابراین روایت شب سه شنبه ۲۷ ذی الحججه ۶۹۰ بوده است .

در سال ۶۹۰ روز ۲۷ سه شنبه بوده و در سال ۶۹۵ روز ۲۷ پنجشنبه بوده و نه شنبه ۲ پس این روایت دوم درست ترست و پیداست که در روایت نخستین دست برده اند .

جامی در نفحات الانس که در سال ۸۸۳ تألیف کرده سی گوید : « وی در شب جمعه ماه شوال سنه ۶۹۱ احدی و تسعین و ستمائة از دنیا رفته » .

دولت شاه سمرقندی در تذکره الشعراء که در ۸۹۲ بپایان رسانیده<sup>۴</sup> چنین آورده است : « اما وفات شیخ در محروسه شیراز در روزگار اتابک محمد شاه بن سلغرشاه بن سعد زنگی بوده و عزیزی تاریخ وفات آن بزرگوار برین نوع گوید :

شب آدینه بود و ماه شوال      ز تاریخ عرب خ ص اسال  
همای روح پاک شیخ سعدی      بیفشاند از غبار تن پر و بال  
ایضاً: همای پاک روح شیخ سعدی      چو در پرواز شد از روی اخلاص  
مه شوال بود و شام جمعه      که در دریای رحمت کشت غواس  
یکی پرسید سال فوت ، گفتم :      ز خاصان بود از آن تاریخ شد « خاص »

۱- H.- G. Cattenoz - Tables de concordance des ères chrétienne et hégirienne - Rabat 1954

۲- همان کتاب

۳- چاپ کلکته ۱۸۵۹ ص ۷۰۰

۴- چاپ ایمن ۱۳۱۸-۱۹۰۰ ص ۲۰۹

در قطعه اول شب آدینه ماه شوال ۶۹۱ و در قطعه دوم نیز شب جمعه ماه شوال ۶۹۱ آمده است.

در ضمن باید متوجه بود که محمد بن سلغر بن سعد بن زنگی تنها دوماه از ذی الحجه ۶۶۰ تا ۱۰ رمضان ۶۶۱ پادشاهی کرده و اگر سمدی در ۶۹۱ در گذشته باشد ممکن نیست در سلطنت وی از جهان رفته باشد.

در کتاب معروف «مجالس العشاق» نیز تاریخ در گذشت سمدی هست. این کتاب چندبار در کانپور بنام ابوالغازی سلطان حسین بایقرا پادشاه معروف تیموری هرات (۸۶۳-۹۱۲) چاپ شده اما در ماخذ معتبر آنرا از میر کمال الدین حسین بن مولانا شهاب الدین طبسی گزار گاهی ساکن هرات که از دانشمندان نامی نیمه دوم قرن نهم و مرد عارفی بوده است و در دربار سلطان حسین بایقرا مقام بلندی داشته و شرحی بر منازل السائرین عبدالله انصاری و چند رساله در تصوف نوشته و از مریدان جاسی و شاعر هم بود است، دانسته اند و در حدود ۹۰۰ آنرا بیابان رسانیده است. درین کتاب تاریخ رحلت سمدی چنین آمده است: «در شب جمعه ماه شوال ششصد و نود و یک از دنیا رفت. غیاث الدین بن هماد الدین خواننده، در کتاب معروف حبیب السیر<sup>۲</sup> می گوید: «در تاریخ گزیده مسطور است که: وفات شیخ سمدی در هفتم ذی حجه سنه تسعین و ستمائة اتفاق افتاده و بروایت نفحات این صورت در شوال سال ششصد و نود و یک دست داد. پیداست که خواننده در میان این دو روایت نتوانسته است یکی را اختیار کند. اما در نسخه چاپی تاریخ گزیده چنانکه گذشت در ۱۷ ذی حجه نوشته شده و نه در هفتم. محمد عارف بقابی در تذکره ای از شاعران که بنام مجمع الفضلاء در ۹۹۶ در بدخشان بتألیف آن آغاز کرده است می گوید: «در تاریخ شهور احدی و تسعین و ستمائة (۶۹۱) رحلت نموده، چنانچه این قطعه یاد می دهد:

همای روح پاک شیخ سمدی	چو در پرواز شد از روی اخلاص
مه شوال بود و روز جمعه	که در دریای رحمت گشت غواص
یکی پرسید سال فوت، گفتم:	ز خاصان بود از آن تاریخ شده خاص،

۱- رجوع کنید بکتاب «کلیات قاسم انوار با تصحیح و مقابله و مقدمه سعید نفیسی - طهران

۱۳۳۷ م ۲۱-۲۲ از مقدمه.

۲- چاپ کانپور ۱۳۱۴ م ۱۲۶

۳- چاپ طهران ۱۳۳۳ ج ۲ م ۵۶۴

امین احمد رازی در کتاب هفت اقلیم<sup>۱</sup> که در ۱۰۰۲ تألیف کرده درین زمینه می نویسد : «ایام فوتش در زمان حکومت اتابک محمد بن سلغر شاه فی سنه تسعین و ستمائة (۶۹۰) دست داده.»

قاضی نورالله شوشتری که در ۱۰۲۹ کشته شده است در کتاب معروف «مجالس المؤمنین»<sup>۲</sup> درین زمینه گفته است : «وی در شب جمعه ماه شوال سنه احدى وتسعین و ستمائة (۶۹۱) از دنیا رفت.»

شاهزاده معروف هند داراشکوه در کتاب سفینه الاولیاء<sup>۳</sup> که در ۱۰۴۹ تألیف کرده است می گوید : «شب جمعه ماه شوال سال ششصد و نود و یک.»

صادق صالح اصفهانی در کتاب شاهد صادق که در ۱۰۵۹ بپایان رسانیده در حوادث سال ۶۹۱ نوشته است «شیخ سعدی شیرازی در گذشت.»

امیر شیرعلی خان لودی در تذکره مرآة الخیال<sup>۴</sup> که در ۱۱۰۲ تألیف کرده گفته است : «وفات شیخ در محروسه شیراز بعهد اتابک بن محمد شاه بن سلغر شاه بن سعد زنگی فی شهور سنه احدى وتسعین و ستمائة (۶۹۱) واقع شده.» پیداست که «اتابک بن محمد شاه» درست نیست و می بایست «اتابک محمد شاه» باشد.

میر حسین دوست سنبهلی در تذکره حسینی<sup>۵</sup> چنین آورده است : «وفات شیخ در محروسه شیراز بعهد اتابک بن محمد بن شاه بن سفر شاه بن سعد زنگی در سال ششصد و نود و یک هجری واقعت ، چنانچه لفظ خاص تاریخ وصال آن مظهر کمالست.» پیداست که درین کتاب هم «اتابک محمد شاه بن سلغر» تحریف شده و بجای آن «اتابک بن محمد بن شاه بن سفر» آمده است.

در کتاب معروف آشکده تألیف حاج لطفعلی بیگ آذربیکدلی که در ۱۱۹۵ بپایان رسانیده نیز تاریخ در گذشت سعدی هست منتهی از دونسخه چاپی رایج در یکی

۱- چاپ کلکته ۱۹۳۹ ص ۲۳۳-۲۳۴

۲- چاپ طهران ۱۲۶۸ ق.

۳- چاپ لکنهو ۱۸۷۹ ص ۱۸۲.

۴- چاپ بستی ص ۴۵.

۵- چاپ لکنهو ۱۲۹۲ = ۱۸۷۵ ص ۱۴۳.

۶- چاپ بستی ۱۲۹۹ ص ۲۸۴.

«درشیراز در سنه ۶۵۶ بعالم باقی رفته، و در دیگری ۱، و در شیراز در سنه ۶۶ بعالم باقی رفته، چاپ شده است. ناچار پیداست که در اصل چیز دیگری بوده و در چاپ بدین گونه تحریف کرده اند.

محمد قدرة الله خان گوپا موی در کتاب نتایج الافکار<sup>۴</sup> نوشته است: «در سنه احدی و تسعین و ستمائة (۶۹۱) بفر دوس برین شتافت.»

سلیمان فهیم مؤلف ترك در کتاب سفینه الشعراء<sup>۴</sup> نوشته است: «شیخ سعدی اتابک شاه محمد بن سنغر شاه بن سعد بن زنگی وقتنده شیراز ده انتیوز طقسان یرسنه سی وفات ایتمشدر و تاریخ وفاتی بو منظوم دور، تاریخ:

همای روح پاک شیخ سعدی      چو در پرواز شد از روی اخلاص  
مه شوال بود و شام جمعه      که در دریای رحمت گشت غواص  
یکی برسید سال فوت، گفتم:      ز خاصان بود از آن تاریخ شده خاص،  
یعنی: «شیخ سعدی در روزگار اتابک شاه محمد بن سنغر شاه بن سعد بن زنگی  
در شیراز بسال ششصد و نود و یک و ذات یافت و تاریخ وفات وی این منظومه است.»  
پیداست که درین جا نیز «سلغر» به «سنغر» تحریف شده است.

محمد حسن بن محمد رحیم لنجانی در کتاب تاریخ عموسی که بعنوان «جنت الاخبار»  
در ۱۲۶۰ بپایان رسانیده گفته است: «در شب جمعه ماه شوال سنه احدی و تسعین و  
ستمائة (۶۹۱) از دنیا رفته.»

محمد جعفر حسینی خور موی در فارسنامه<sup>۴</sup> که در ۱۲۷۶ تألیف کرده نیز  
رحلت سعدی را در ۶۹۱ نوشته است.

مفتی غلام سرور لاهوری در کتاب خزینة الاصفیاء چنین آورده است: «وفات  
باتفاق اهل اخبار در سال ششصد و نود و یک... از مؤلف:

مصالح الدین سعدی اسعد ولی      عالم و عامل محب و متقی  
«شاعر» آمد سال تولیدش عیان      رحلتش «کامل محب متقی»  
ایضاً: ولی زمان سعدی پاکباز      شه دهر مطلوب پروردگار

۱- چاپ بمبئی ۱۲۷۷

۲- چاپ مدراس ۱۸۴۳ = ۱۲۵۹ ص ۲۰۵.

۳- چاپ استانبول ۱۲۵۹ ص ۱۰۳.

۴- چاپ طهران ۱۲۷۶.

۵- چاپ کابلور ۱۹۱۴ ج ۲ ص ۴۰.

بجو «صاحب عشق» تولید او وصالش ز «محبوب پروردگار» جمله «شاعر» و «صاحب عشق» بحساب جمل ۵۷۱ و جمله های «کامل معجب متقی» و «محبوب پروردگار» ۶۹۱ می شود.

مؤلف معروف هند میر غلامعلی آزاد حسینی واسطی بلگرامی در کتاب خزانة عامره<sup>۱</sup> که در ۱۲۷۱ تألیف کرده است می نویسد: «درسنة احدی وتسعين وستائة (۶۹۱) جان بحق تسلیم نمود: زخاصان بود از آن تاریخ شد خاص».

طامسن ولیم بیل از خاورشناسان انگلیسی مقیم هندوستان در ۱۲۶۴=۱۸۴۸ کتابی بنام «مفتاح التواریخ»<sup>۲</sup> تألیف کرده است و در آن همه اقوال مختلف را بدین گونه گرد آورده است:

«تاریخی که در تذکره دولتشاه و کتب دیگر در وفات آن بزرگوار نوشته اند اینست، تاریخ:

شب آدینه بود و ماه شوال	ز تاریخ عرب خ ص از سال (۶۹۰)
همای روح پاک شیخ سعدی	بینشانند از غبار تن پر و بال
تاریخ: در بحر معارف شیخ سعدی	که در دریای رحمت بود غواص
سه شوال روز جمعه روحش	بدان در گاه رفت از روی اخلاص
یکی پرسید سال فوت، گفتم:	ز خاصان بود از آن تاریخ شد «خاص» (۶۹۱)

تاریخ از کتاب «خبر الواصلین:

شیخ سعدی که عارف حق بود	راز دان وجود مطلق بود
یکصد و بیست (!) سال عمرش بود	کسان زمان رحلت از جهان فرمود
بشبه جمعه پنجشنبه شوال	شد بفردوس آن ستوده خصال
چون ز خاصان حق تعالی بود	«خاص» تاریخ او ملک فرمود (۶۹۱)

روزی مؤلف این اوراق کلیات سعدی را می خواند. قصیده ای برآمد که بیت

مقطع اش (!) این بود، بیت:

اگر مرا بدعای (!) مدد کنی شاید  
که آفرین خدا بر روان سعدی باد

۱- چاپ کانبور ص ۲۴۹.

۲- چاپ کانبور ۱۲۸۴ = ۱۸۶۷ ص ۷۰-۷۱.

مصرعه آخر پسندیده آمد و آن را ماده تاریخ ساخته، بتعمیه این تاریخ گفتم،  
تاریخ از مؤلف :

برفت سعدی شیراز گر چه از دنیا ولی بماند بفضیل و هنر بعالم یسار  
زنظمهاش یکی مصرعه ایست (!) گفته او چوبی «سعی» (!) و «رعونت» گرفتمش اعداد

۱۴۰ ۷۶۲

زمان فوت خبر یافتیم و آن اینست : که آفرین خدا بر روان سعدی باد

۱۵۵۶

اگر اعداد الفاظ «سعی» و «رعونت» را از اعداد الفاظ مصرعه آخر دور کرده  
شود تاریخ وفات برآید و این تاریخ که نوشته می شود نیز از مؤلفست ، تاریخ  
از مؤلف :

ز شادی بر زبان آورد منت مرخدارا  
زمنت مرچو حرف اولین را دورسازی  
چو سعدی از پی سیر گلستان بقا شد

۶۹۰

تاریخ: چو سعدی در گلستان جنان شد ز شادی گفت منت مرخدا را

چو سر حرفی زمنت سر (!) کنی دور شود سال وفاتش آشکارا

اگر از الفاظ «منت سر» حرف اول را که میم است دور کنی تاریخ برآید و چون  
آغاز کتاب بوستان این مصرعه است ، مصرعه : «بنام خداوند جان آفرین، و آغاز  
کتاب گلستان و منت مرخدا» ، چنانچه اگر پنج حرف اولین را از هر دو کتاب جدا جدا  
بگیری و حرف اول را باندازی تاریخ برآید و آن را مؤلف باین عنوان بنظم آورده،  
تاریخ :

چو بنام خدا و منت مر شد گلستان و بوستان آغاز

پنج حرفی زهر کتابی گیر حرف اول زهر یکی انداز

ناشود بر تو ظاهر و پیدا سال تاریخ سعدی شیراز

و این تاریخ بزبان اردو که نوشته می شود نیز از مؤلف این اوراق است ،

تاریخ بتعمیه :

مرگ سعدی کامجهسی پو چهومت که گلستان وه کب موا کهکر

سر منت کسو دور کراسنی مرگیا آپ کهکی منت مر

۶۹۰

مولوی عبدالغفور خان متخلص بمساح در کتاب گنج تواریخ<sup>۱</sup> که وی نیز برای هر واقعه‌ای قطعه‌ای یابیتی سروده چنین آورده است: «تاریخ وفات حضرت شیخ مصلح الدین شیرازی رحمه الله علیه:

سال ترحیل حضرت سعدی جوی از کوچ سعدی شیراز

۶۹۱

سید محمد صدیق حسن خان در تذکره شمع انجمن<sup>۲</sup> می گوید: «وفات شیخ در سنه ششصد و نود و یک اتفاق افتاده، لفظ «خاص» تاریخ انتقال اوست.»  
سید محمد شمعی در کتاب «علاوه لی ائمار التواریخ مع ذیل»<sup>۳</sup> نوشته است: «۶۹۱ وفات مصلح الدین شیرازی المعروف بشیخ سعدی.»

اسماعیل پاشا بغدادی در کتاب «هدیه العارفین اسماء المؤلفین و آثار المصنفین»<sup>۴</sup> تاریخ وفات سعدی را در «سنه ۶۹۱ احدی و تسعین و ستمائة» ضبط کرده است.  
مفتی غلام سرور لاهوری در کتاب «گنجینه سروری معروف باسم تاریخی گنج تاریخ»<sup>۵</sup> نیز تاریخ رحلت وی را ۶۹۱ نوشته است.  
رضاقلی خان هدایت در مجمع الفصحاء<sup>۶</sup> نوشته است: «در سنه ۷۹۱ جهان را بدرود نمود.»

در کتاب دیگر خود ریاض العارفین<sup>۷</sup> نوشته است: «وفات شیخ در ۶۹۱.»  
صنیع الدوله محمد حسن خان (اعتماد السلطنه) در کتاب منتظم ناصری<sup>۸</sup> در حوادث سال ۶۹۱ هجری = ۱۲۹۱ مسیحی نوشته است: «وفات شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی رحمه الله علیه و بعضی وفات شیخ را در سال ششصد و نود و شش نوشته اند.»  
حاج میرزا احسن فسایی در فارسنامه ناصری که در ۱۳۰۴ پایان رسانیده است<sup>۹</sup>

- ۱- چاپ مطبع نول کشور ۱۲۹۱ ص ۱۵.
- ۲- چاپ بهوبال ۱۲۹۳ ص ۱۹۱.
- ۳- چاپ [استانبول] ۱۲۹۵ ص ۵۰.
- ۴- چاپ استانبول ۱۹۵۵ ج ۲ ستون ۴۶۲.
- ۵- چاپ مطبع نول کشور ۱۲۹۴ ص ۸۸.
- ۶- چاپ طهران ۱۲۹۵ ج ۱ ص ۲۷۴.
- ۷- چاپ طهران ۱۳۰۵ ص ۸۸.
- ۸- چاپ طهران ۱۲۹۹ ج ۲ ص ۱۳.
- ۹- چاپ طهران ۱۳۱۳ ج ۲ ص ۱۴۸.

تاریخ رحلت وی را چنین ضبط کرده است :  
 شب آدینه بود و ماه شوال  
 همای روح پاک شیخ سعدی  
 ز تاریخ عرب خاص آمد آن سال  
 سوی جنت بر آوردی پروبال  
 فرصت شیرازی در آثار عجم<sup>۱</sup> نوشته است : « وفاتش را در سنه ششصدونود و یک هجری نوشته اند . »

شبلی نعمانی در کتاب معروف شعرالعجم<sup>۲</sup> می گوید : « راجع بوفات عموماً می نویسند که آن در سال ۶۹۱ هجری اتفاق افتاده است . »

الطاف حسین حالی در کتاب حیات سعدی<sup>۳</sup> گفته است : « شیخ در سنه ۶۹۱ هجری در شیراز هنگامی که سلطنت اتابکان زوال یافته و تاتارها حکومت داشتند وفات نمود . یکی از شعرا ماده تاریخ راجع بمرگ وی گفته است :

در بحر معارف شیخ سعدی      که در دریای معنی بود غواص  
 مه شوال روز جمعه روحش      بدان در گاه رفت از روی اخلاص  
 یکی پرسید سال فوت گفتم :      ز خاصان بود از آن تاریخ شد « خاص »

محمد حسین آزاد از ادبای معروف هند و پاکستان در کتاب نگارستان فارس<sup>۴</sup> نوشته است : « غرض سنه ۶۹۰ یا ۹۱ هجری مین شهر شیراز مین شیخ فوت هوئی لفظ « خاص » تاریخ فوت هی . »

محمد عبدالغنی خان غنی مؤرخ آبادی در کتابی که بنام تذکرة الشعراء<sup>۵</sup> بجدول نوشته در برابر نام سعدی نوشته است : « سنه وفات ۶۹۱ ه . »

شیخ اسدالله الکلیپایکانی (!) در کتاب شمس التواریخ<sup>۶</sup> نوشته است : « وفاتش در سنه ۶۹۱ ششصدونودویک . »

محمد حسن انصاری شیخ جابری در کتاب « سرگذشت شیخ بزرگوار سعدی »<sup>۷</sup>

۱- چاپ بئبی ۱۳۱۴ م ۴۶۸.

۲- شعرالمجم یا تاویخ شعرا و ادبیات ایران تألیف برفسور شبلی نعمانی ترجمه سید محمد تقی نغز داعی کیلانی ج ۲ طهران ۱۳۲۷ ص ۱۹ و نیز رجوع کنید بکتاب شعرالمجم ترجمه منصور انصاری حصه دوم چاپ کابل ۱۳۰۶ م ۳۲.

۳- ترجمه سید نصرالله سروش - طهران ۱۳۱۶ م ۲۵-۲۶.

۴- چاپ لاهور ۱۹۲۲ م ۷۴.

۵- چاپ علیگره ۱۹۱۶ م ۶۵.

۶- چاپ اصفهان ۱۳۳۱ م ۷۰.

۷- چاپ اصفهان [۱۳۱۶] م ۶.

چنین آورده است: «امین احمد رازی گوید سالش را گویند صدوده سال بوده و رحلتش ۶۹۰ به حکومت اتابک محمد بن سلغر شاه در سال فوت ارغون و جلوس کیخاتوی مغول و یا تاریخ وفاتش که بلفظ «خاص» اختصاص داده اند بیک سال اختلاف و این تفاوت نزد تاریخ گویند معافست خاصه اگر باندک فاصله ذی الحجّه ۶۹۰ و محرم ۶۹۱ باشد». گفته امین احمد رازی را در هفت اقلیم پیش ازین آوردم و در آن ذکری از سال مرگ ارغون و جلوس کیخاتوی مغول نیست. بهر حال ارغون در ۷ ربیع الاول ۶۹۰ در گذشته و ارنجین گیخاتو در همان اوان جانشین وی شده است.

بدیع پاکدین در کتاب «زندگی سعدی»<sup>۱</sup> مرگ وی را در ۶۹۱ ضبط کرده است. حسین دانش ادیب معروف ایرانی ساکن ترکیه در کتاب سر آمدان سخن<sup>۲</sup> که درباره بزرگان سرایندگان ایران بترکی نوشته چنین آورده است: «میلادک (۱۲۹۱) سنه سنده وفات ایتمشدر. سال ۱۲۹۱ میلادی در ۲۸ ذی الحجّه ۶۸۹ آغاز شده و در ۸ محرم ۶۹۱ پایان رسیده پس بیشتر برابر با سال ۶۹۰ بوده است.

مرحوم عباس اقبال آشتیانی در کتاب «تاریخ مفصل ایران از استیلای مغول تا اعلان مشروطیت - جلد اول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری»<sup>۳</sup> پس از نام سعدی نوشته است: «(وفاتش در ۶۹۴)» و سپس<sup>۴</sup> چنین آورده است: «در سال ۶۹۴ در حالی که سنش در حدود هشتاد بوده است فوت کرده».

عباس بن محمد رضا قمی در کتاب «هدیه الاحباب فی ذکر المعروفین بالکنی والالقب»<sup>۵</sup> می گوید: «وفاتش سنه ۶۹۰» «خص» یا «خصا» چنانکه در تاریخ او گفته شده:

بروز جمعه بود و ماه شوال  
همای پاک روح شیخ سعدی  
بتاریخ عرب خ ص اسال  
بیفشانند او سوی جنت پروبال  
در کتاب دیگری که بزبان تازی بنام «کتاب الکنی والالقب»<sup>۶</sup> چاپ کرده

- ۱- چاپ طهران ۱۳۱۶ ص ۱۲.
- ۲- چاپ استانبول ۱۳۲۷ ص ۳۷۵-۳۷۶.
- ۳- چاپ طهران ۱۳۱۲ ص ۵۳۹.
- ۴- ص ۵۴۰.
- ۵- چاپ نجف ۱۳۴۹ ص ۱۴۹.
- ۶- چاپ سید ۱۳۵۸ ج ۲ ص ۲۸۲.

در باره سمدی نوشته است : « توفی سنة ۶۹۰ ( خص اوخصا ) كما قيل فی تاریخه بالفارسیة :

بروز جمعه بود و ماه شوال بتاریخ عرب خ ص اسال

همای پاك روح شیخ سمدی بیفشاند او سوی عقبی پروبال

آقای محمد محیط طباطبائی در مقدمه ای که بر بوستان<sup>۱</sup> نوشته چنین آورده است:

« شب شنبه بیست و هفتم ذی حجه ۶۹۱ یا ۶۹۴ رخت از سرای فانی بر بست . »

م . ر . هزارشیرازی در کتاب « شناسایی سمدی »<sup>۲</sup> نوشته است : « در ۶۹۱ . . .

روز پنجشنبه ای . . . »

قاسم توپسر کانی در کتاب « سخن سمدی »<sup>۳</sup> تاریخ مرگ سمدی را ۶۹۱ یا

۶۹۴ ضبط کرده است.

در سال ۱۹۴۰ در استالین آباد کتابی بزبان فارسی وبخط لاتین معمول آن زمان

چاپ شده است باین عنوان : « نمونه ادبیات تاجیک - ترتیب دادگان : خ . میرزازاده -

ج . سهیلی - جلال اکرامی - لطف الله یوا - کبریا بزرگزاده - در زیر تحریر عموسی

ص . عینی - س . الغزاده - ا . پ . دهاتی - م . تورسونزاده - م . رحیمی - ای براگینسکی -

کونسولات : ا . لاهوتی - استالین آباد ۱۹۴۰ »

درین کتاب<sup>۴</sup> درباره سمدی نوشته اند : « در سال ۱۲۹۱ وفات نموده است. »

مرحوم صدرالدین عینی دانشمند معروف تاجیکستان در کتابی که بخط روسی

وبزبان فارسی درباره سمدی چاپ کرده است<sup>۵</sup> تاریخ تدوین کلیات سمدی را که در

۷۲۶ بیستون گرد آورده است ۳۴ تا ۳۵ سال پس از وفات سمدی آورده است وبدین

حساب سال ۶۹۲ یا ۶۹۱ می شود.

همین نکته را در تلخیصی که بهمان خط از بوستان چاپ کرده<sup>۶</sup> نیز آورده است.

۱ - سمدی نامه یا بوستان با مقدمه بقلم محمد محیط طباطبائی - طهران ۱۳۱۷ ص ۷.

۲ - شناسایی سمدی - تمدن ایران باستان - ترجمه وتالیف م . د . هزار شیرازی - شیراز

۱۳۱۷ ص ۲۱۲ .

۳ - چاپ طهران [۱۳۱۸] ص ۲ .

۴ - ص ۱۰۳ .

۵ - ص . عینی - شیخ مصطفی الدین سمدی شیرازی - استالین آباد ۱۹۴۲ ص ۵۳ .

۶ - ص . عینی - شیخ سمدی - مختصر « بوستان » استالین آباد ۱۹۴۵ .

حسین فرپور در تاریخ ادبیات ایران<sup>۱</sup> نوشته است: وفات در حدود سال ۶۹۳ هـ. آقای دکتر رضازاده شفق در تاریخ ادبیات ایران<sup>۲</sup> نوشته است: «وفات این مرد بزرگ میان سالهای ۶۹۱ و ۶۹۴ در مسقط الرأس خود شیراز اتفاق افتاد.» آقای دکتر ذبیح الله صفا در «تاریخ تحول نظم و نثر پارسی»<sup>۳</sup> گفته است: «سال ۶۹۱ یا ۶۹۴ در همان شهر در گذشت.»

آقای میرزا مقبول بیک بدخشانی استاد زبان فارسی در کالج دولتی لاهور در کتاب «ادب نامه ایران»<sup>۴</sup> نوشته است: «آخر بهمن تقریباً ۶۹۱ هجری مین دفن هونئی.» مرحوم شیخ محمد علی تبریزی مدرس در کتاب «ریحانة الادب فی تراجم- المعروفین بالکنیة او اللقب»<sup>۵</sup> چنین آورده است: «در سال ششصد و نود تمام یانود و یکم هجری قمری... یا بنوشته بعضی... در ششصد و نود و یک هجرت وفات یافته و کلمه... محبوب پروردگار، تاریخ وفات اوست و غلام سرور هندی در تاریخ ولادت و وفات او گوید:

مصالح الدین سعدی اسعد ولی  
شاعر (۵۷۱) آمد سال تولیدش عیان  
عالم و کامل محب و متقی  
رحلتش (کامل محب متقی) (۶۹۱)  
و دیگری گفته:

بروز جمعه بود و ماه شوال  
همای پاک روح شیخ سعدی  
بتاریخ عرب خ ص اسال  
بیفشاند او سوی چنت پروبال

در رساله‌ای که بعنوان «آرامگاه شیخ اجل استاد سخن سعدی شیرازی»<sup>۶</sup> بمناسبت ساختمان تازه مزار وی انجمن آثار ملی انتشار داده چند کتاب را نام برده و سال ۶۹۱ را ترجیح داده‌اند.

بیشتر از خاورشناسان و مؤلفان اروپایی که بزبانهای مختلف اروپا درباره سعدی بحث کرده‌اند سال ۱۲۹۱ میلادی را که سال ۶۹۰ هجری باشد تاریخ مرگ سعدی

- ۱- چاپ طهران ۱۳۳۱ ص ۱۵۱.
- ۲- چاپ طهران ۱۳۲۱ ص ۲۶۶.
- ۳- چاپ طهران ۱۳۳۴ ص ۴۸.
- ۴- چاپ لاهور ص ۳۴۶.
- ۵- چاپ طهران ۱۳۶۸ = ۱۳۲۸ ص ۱۹۹-۲۰۰.
- ۶- چاپ طهران ۱۳۳۰.

دانسته اند از آن جمله است ف. ف. اربثروت در کتاب «تمثالهای ایرانی»<sup>۱</sup> و آرتورن. ولاستن در کتاب «طومار خرد سعدی»<sup>۲</sup> و خاورشناس معروف روسی آ. کریمسکی در کتاب «تاریخ ایران، ادبیات و فلسفه و تصوف آن»<sup>۳</sup> و خاورشناس معروف انگلیسی ادوارد ج. براون در «تاریخ ادبی ایران - از فردوسی تا سعدی»<sup>۴</sup> و خاورشناس انگلیسی روبن لوی در کتاب «ادبیات ایران»<sup>۵</sup> و خاورشناس معروف روسی کانستانتین چاپیکین در مقدمه ترجمه بوستان سعدی بنظم روسی<sup>۶</sup>.

خاورشناس ناسی ایتالیایی ایتالوپیتزی در کتاب «تاریخ شعر فارسی»<sup>۷</sup> نوشته است: «سعدی در ۶۹۰ هجری (۱۲۹۱ میلادی) در گذشت.

خاورشناس معروف آلمانی هرمان اته در کتاب «اساس فقه اللغة ایرانی» در فصل «ادبیات فارسی جدید»<sup>۸</sup> وفات سعدی را در ۱۱ دسامبر ۱۲۹۱ (۱۷ ذوالحجه ۶۹۰) ضبط کرده است.

مؤلف فرانسوی ژورژ فریله در کتاب «ایران ادبی»<sup>۹</sup> نوشته است: «سعدی در ۱۲۹۲ در گذشت» و ۱۲۹۲ میلادی برابر با ۶۹۱ هجری بوده است.

خاورشناس معروف فرانسوی هانری ماسه در کتاب معروف «خلاصه ای در باره سعدی شاعر»<sup>۱۰</sup> پیداست که گرفتار همین اختلافات شده است و در باره تاریخ

۱- F.F. Arbuthnot - Persian Portrait, London 1887, p. 55.

۲- Arthur N. Wollaston, Sadi's Scroll of Wisdom - London 1913, p. 22.

۳- A.Krimski-Istori Persii eya Literaturi i dervisheskoy Teossofi. T.III No 1-2, Moskva 1914 -1917 p. 389.

۴- Edward G.Browne-A Literary History of Persia-From Firdawsi to Sa'di - London 1920 p. 526.

۵- Reuben Levy - Persian Literature - London 1923, p. 60.

۶- K. Tchaïkine - Cheykh Musleh - ed - dine Sa'di - Boustan - Moskva 1935 - p. VII.

۷- Italo Pizzi-Storia della Poesia Persiana-Volume primo-Torino- 1894- p.291.

۸- Hermann Ethé - Neupersische Litteratur in Grundriss der Iranischen Philologie - Zweiter Band, Strassburg 1896 - 1904 - p.292.

۹- Georges Frilloy- La Perse Littéraire - Paris -p. 157.

۱۰- Henri Massé - Essai sur le poète Saadi Paris 1919 p.100-101.

در گذشت سعدی چنین می گوید: «چگونه می توان صریحاً تاریخی را ذکر کرد؟ آیا می توان فرض کرد که در ارقام اشتباه کرده باشند؟ ۶۷۱ تا ۶۸۱ بجای ۶۹۱؟ اما چرا باید یک تاریخ را بردیگری ترجیح داد، بانبودن هر سند قطعی؟ اگر در حقیقت در ۱۲۸۰ (۶۷۹ هجری) حکمران مولتان سعدی را دعوت کرده باشد، می توان پذیرفت که وی در میان ۱۲۸۰ و ۱۲۸۳ (۶۸۲ هجری) مرده باشد، یعنی از ۹۶ تا ۹۹ سالگی.»

در میان این اقوال مختلف آنچه نزدیکان بزمان سعدی بیشتر مکرر کرده اند سال ۶۹۱ است. اینک باید در پی روز و ماه گشت. در شماره هشتم سال اول مجله یغما (آبان ۱۳۲۷) در پای صحیفه ۳۴۶ تاریخی از سرگ سعدی چاپ شده که شنیده ام از سفینه ای خطی که متعلق بجناب آقای علی اصغر حکمتست اخذ کرده اند و آن چنینست: «سنة احدى وتسعين وستمائة وقات ملاك الكلام شيخ مشرف الدين مصلح الشيرازي المعروف بسعدی نسبت بسعد بن اتابك ابی بكر بن سعد بن زنگی در سبع عشرین ذی حجه بشیراز...» (۲۷ ذیحجه ۶۹۱).

سند بسیار معتبری این نکته را کاملاً ثابت می کند و شك را از میان برمی دارد. آقای شاغل که از دانشمندان سالخورده و بسیار فروتن و خوش روی هندوستان ساکن شهر جیپورست بیاضی کهن دارد که مخصوصاً برای بهره جویی من با خود از جیپور بعلیگره آورد و از ۱۳ فروردین امسال در علیگره چند روزی من گرم بهره یابی از آن بودم. خط و کاغذ این بیاض قطعاً از آغاز قرن هشتم هجریست و پیداست که مردی دانشمند و آگاه و جوینده حق و حقیقت در تبریز آنرا فراهم کرده و بسیار مطالب مهم ادبی و تاریخی بنظم و نثر فارسی در آن بخط خود نوشته است.

در یکی از اوراق این بیاض که پیداست ورق اول آن بوده جدولی هست شامل فهرست مطالب آن که متأسفانه برخی از آنها ازین نسخه افتاده است و آنچه اهمیت دارد بدین گونه است: «ابواب تألیف ابومنصور عبدالملک بن اسمعیل الثعالبی - وصایا شیخ شهاب الدین سهروردی - رساله سنایی در جواب بازرگان سرخس - مکتوب سنایی نزد قوام الدین نامی.» ازین مطالب تنها رساله ابواب ثعالبی مانده است که رساله کوچکیست بتازی شامل هشت باب بدین گونه: «الباب الاول فیما يستعان به علی العقل والعلم - الباب الثانی فیما يستعان به علی الزهد والعبادة - الباب الثالث فی الاستعانة علی

ادب اللسان - الباب الرابع فی الاستعانة علی ادب النفس - الباب الخامس فی الاستعانة علی مکارم الاخلاق - الباب السادس فی الاستعانة علی حسن السیرة - الباب السابع فی الاستعانة علی حسن السياسة - الباب الثامن فیما يستعان به العتل والعالم .»

در هر بابی چند جمله بشکل کلمات قصار نقل کرده است ولی ذکرى از گوینده این کلمات نیست و چنان می نماید که ثعالبی خود نوشته است .

از جمله مطالبی که در جدول فهرست نیست، رساله کوچکیست بتازی از «حسن بن ابی الحسن بصری» معروف که در اخلاق و سلوک نوشته و در ذیل هر مطلبی آیه یا آیاتی را که مربوط بآن مطلبست نقل کرده است.

دیگر در اوایل بیاض بخطی که بخط قسمت اعظم این بیاض بسیار نزدیکست با سر کب سرخ وصیتی منسوب بر رسول هست که نویسنده مدعیست در سال پنجم هجرت بخط علی بن ابی طالب و شهادت جمعی از صحابه نوشته شده است و در پایان آن کاتب رقم کرده است : « کتب و قوبل و صحیح بنسخة الاصل لفظاً بلفظه بلازیادة و نقصان فی شهر ذی الحجة تسع و خمسين [و] سبعمائة الهلالية بتبریز .»

در پایان بیاض ورق دیگری هست بخط جلی نسخ و در یک گوشه آن تاریخ ۶۵۹ و در گوشه دیگر تاریخ ۷۵۹ را دارد و بگمانم تاریخ ۶۵۹ جعلی و الحاقی باشد زیرا بسیار دشوارست یک بیاض در صد سال در دست کسی نانوشته مانده باشد و در مدت صد سال آنرا پر کرده باشند و ظاهراً این بیاض در همان سال ۷۵۹ که تاریخ تحریر وصیت رسواست تهیه شده و شاید در ۷۵۹ در تبریز پایان رسیده باشد چنانکه دوجا این تاریخ را تکرار کرده اند و یکی از آنها شرة ربیع الاول ۷۵۹ است.

مهم ترین فواید ابن بیاض آنست که در چند ورق آن بهمان خط اصل نیمه اول قرن هشتم حوادث تاریخی را یادداشت کرده اند که از ۵۹۹ تا ۷۲۷ است و در میان آنها بسیار مطالب مهم در حوادث تاریخی قرن هفتم و آغاز قرن هشتم هست که در هیچ جای دیگر نیامده است . نقل همه آنها از گنجایش این مقالت افزون بود و آنرا بفرصت دیگری می گذارم .

چیزی که درین وقایع برای ما بسیار اهمیت دارد و شک و تردید و دودلی این مدت دراز را درباره تاریخ مرگ سعدی از میان می برد اینست که درین بیاض بخط جلی و بسیار جوانا نوشته شده است : « وفات علامة العصر شیخ سعدی، شیرازی شب

سه‌شنبه‌سابع [و] عشرين ذی‌الحجه لسنة احدى [و] تسعين وستمائة.

(شب سه‌شنبه ۲۷ ذی‌الحجه سال ۶۹۱)

این همان تاریخیست که در مجله یغما نیز از روی سند کهنه‌ای چاپ شده و درین جا شب سه‌شنبه هم بر آن افزوده می‌شود. چیزی که شک را یکسره از میان می‌برد اینست که حتماً روز ۲۷ ذی‌الحجه در سال ۶۹۱ روز سه‌شنبه مطابق با ۹ دسامبر ۱۲۹۲ بوده است.

درین صورت من از آقای شاغل مالک ابن بیاض بسیار سپاس گزارم که دانش دوستی و گشاده‌دستی او و مهربانی خاصی که در امانت‌دادن ابن سفینه در باره من داشت، مارا یاری کرد که این مشکل جانگاہ را که سالها و شاید قرن‌ها ناگشاده مانده بود بدین گونه بکشاییم.

طهران ۱۶ آبانماه ۱۳۳۷